

طلاق به خاطر پیشنهاد های خیالی

کارمان علمدهی
خبرنگار

ظهر یک روز بهاری در طبقه دوم مجتمع قضایی خانواده زن جوانی روی نیمکت پشت در یکی از شعبه‌ها نشسته بود و مرد جوانی که به نظر می‌رسید همسر اوست بالای سرش دست به سینه ایستاده بود. هر چند دقیقه یکبار مرد جوان جمله با همسرش صحبت می‌کرد اما زن جوان بدون کلامی فقط سرش را به نشانه مخالفت تکان می‌داد و مشخص بود که تمایلی به ادامه مکالمه با شوهرش ندارد. منشی دادگاه با برگه‌ای در دست به داخل راهرو آمد و گفت: میترا... و سعید... وقت دادگاه شماس، زوج جوان هم بلافاصله وارد شعبه شدند.

قاضی مرد میان‌سالی بود که پشت میز نشسته و پرونده‌ای را ورق می‌زد. زوج جوان سلام کردند و روی صندلی نشستند. قاضی جواب سلام آنها را داد و درحالی که عینکش را از روی چشمانش برمی‌داشت، گفت: مشکلاتن چیست؟

سعید نگاهی به میترا کرد و بدون اینکه بخواهد حرفی بزند منتظر شد تا او شروع کند.

زن جوان باحالی مرد گفت: جناب قاضی من بعد از فارغ‌التحصیلی در یک شرکت مشغول به کار شدم. چند سالی کار کردم و حقوق خوبی هم می‌گرفتم. یعنی از همان موقع مستقل بودم و از نظر مالی به کسی نیاز نداشتم تا اینکه یکی از دوستانم سعید را که پسرخاله‌اش بود به من معرفی کرد. اما من اصلاً به ازدواج فکر نمی‌کردم به همین خاطر پاسخ منفی دادم با این حال به خاطر اصرارهای دوستم قرار شد یک بار سعید را ببینم و اگر خوشم نیامد جواب منفی بدهم.

میترا در ادامه نگاه معناداری به سعید کرد و گفت: اما با دیدن سعید و دیدن رفتار با اعتماد به نفسش و شنیدن حرف‌هایش چنان تحت تأثیر قرار گرفتم که فکر کردم این مرد تنها کسی است که می‌تواند مرا خوشبخت کند به هر حال پذیرفتم که باهم ازدواج کنیم. هر چند سعید کار مشخصی نداشت اما به من گفته بود پیشنهادهای خوبی دارد که می‌خواهد روی آنها فکر کند و بزودی مشغول به کار می‌شود. به هر حال مدتی بعد با کمک‌های مالی پدر و مادرش ازدواج و با کمک هم خانه‌ای رهن گرفتیم. چند ماهی از ازدواج‌مان گذشته بود و من هر روز منتظر بودم سعید به یکی از پیشنهادهای خوب کاری اش جواب بدهد اما افسوس که نه پیشنهادی در کار بود و نه سعید تمایلی به کار کردن داشت.

به اینجا که رسید سعید حرف‌هایش را قطع کرد و گفت: من دنبال کار بودم پیشنهاد هم داشتم اما...

میترا با لحن تندی گفت: بله آقای قاضی ایشون درست می‌گویند! یکسال تمام جلوی تلویزیون در حال بررسی پیشنهادهای متعدد کاری بود! جناب قاضی پیشنهادی در کار نبود. اگر تمایلی به کار کردن داشت هم وقتی می‌دید هر ماه با حقوق من محتاج زندگی تأمین می‌شود و مشکلی هم در پرداخت اجاره خانه نداریم دیگر لزومی برای کار کردن نمی‌دید. اصلاً یکبار به من گفت که تو کار کن و من کارهای خانه را انجام می‌دهم و وقتی عصبانیت من را دید گفت، شوخی کردم! به نظر من اصلاً شوخی نکرده بود و او نه مرد زندگی است و نه مسئولیت‌پذیر!

قاضی نگاهی به سعید کرد و پرسید: حرف‌های همسرت را قبول

داری؟ سعید جواب داد: من برای یافتن کار خیلی تلاش کردم اما کاری که مناسب من باشد پیدا نشد.

قاضی سؤال کرد: موضوع پیشنهادهای کاری چه بود؟ سعید سرش را پایین انداخت و گفت: وقتی دختر خاله‌ام از میترا برایم گفت و بعد از اینکه او را دیدم فهمیدم که او فردی مستقل و دارای موقعیت مالی و اجتماعی خوبی است برای اینکه او را از دست ندهم مجبور شدم آن دروغ‌ها را بگویم. من فرد تحصیل‌کرده‌ای هستم و نمی‌توانم به هر کاری تن بدهم. خیلی دنبال کار گشتم اما نشد.

قاضی با لحنی تندتر گفت: اصلاً به این فکر نکردی که داری پایه زندگی‌ات را با دروغ شوخی می‌کنی؟

سعید زیر چشمی نگاهی به میترا کرد و گفت: می‌دانم کار بدی کردم اما چه کنم من عاشق همسر هستم نمی‌خواهم او را از دست بدهم. میترا گفت: اگر عاشقم هستی چطور میتونی پشیمانی و نگاه کنی که من ۱۲ ساعت کار کنم و تو در خانه استراحت کنی؟ خسته شدم می‌خواهم جدا شوم.

سعید ملمسانه به همسرش گفت: خواهش می‌کنم یک فرصت به من بده. قول می‌دهم بزودی مشغول کار شوم و رضایتت را جلب کنم. میترا تا خواست جواب بدهد قاضی با دست از او خواست سکوت کند و بعد گفت: از حرف‌های هر دو شما متوجه شدم که هنوز همدیگر را دوست دارید. اما کار آقا داماد درست نبود و باید از ابتدا با صداقت بیشتری رفتار می‌کرد همچنین به‌عنوان سرپرست خانواده به دنبال کسب و کاری می‌رفت. اما حلال یک ماه فرصت‌داری که علاوه بر اصلاح کارها و حرف‌هایی که باعث اختلاف میان شما شده فکر کنی و هم کار مناسبی پیدا کنی و البته به کلاس‌های مشاوره هم بروید. ماه آینده شما را می‌بینم و اگر همسرت از تو رضایت داشت که هیچ در غیراین صورت حکم طلاق را صادر می‌کنم.

نگاه کارشناس - احمد نوروند کارشناس حوزه خانواده

برخی از زوجین در بدو آشنایی ممکن است برای خودنمایی، رسیدن به فرد مورد علاقه یا برخی دلایل دیگر وعده و وعیدهایی به طرف مقابل بدهند اما بی‌شک دیر یا زود واقعیت بر ملا می‌شود و همین امر می‌تواند باعث بی‌اعتمادی و بدگمانی میان زوجین شود گاهی چند جمله ساده می‌تواند آثار و تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد و بنیان خانواده را به هم بریزد. بنابراین صداقت بهترین پیش شرط برای یک زندگی مشترک است که باید زوجین آن را از ابتدا مدنظر قرار دهند.

مرگ مشکوک مدیر شرکت پشت میز

گروه حوادث: جسد مدیر شرکت خدماتی در حالی پشت میز کارش پیدا شد که به گفته کارشناسان دوزور از مرگش گذشته بود. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح سه‌شنبه ۲۳ فروردین، دو کارمند شرکت خدماتی در شمال غرب تهران، زمانی که وارد شرکت شدند، مدیر شرکت را در حالی دیدند که پشت میز کارش نشسته و گوشی تلفن همراه دستش بود. کارمندان با این تصور که مدیر شرکت متوجه ورود آنها نشده به کارشان پرداختند اما لحظاتی بعد وقتی برای انجام کارهای اداری به او مراجعه کردند متوجه شدند مرد ۳۶ ساله فوت کرده است. بدین ترتیب موضوع به بازپرس محمدتقی شعبانی، اعلام شد و در تحقیقات صورت گرفته مشخص شد که مدیر شرکت دو روز قبل به کارمندانش گفته بود به دلیل تعمیرات به شرکت نیایند اما بعد از دوزور زمانی که کارمندان به شرکت آمدند با جسد او مواجه شده بودند. در معاینات متخصصان پزشکی قانونی، مشخص شد از زمان مرگ دو روز می‌گذرد. با توجه به اینکه علت مرگ مشخص نبود جسد به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

عذاب وجدان راز جنایت ۸ ماه قبل را فاش کرد

قتل شوهر با همدستی نگهبان شب

گروه حوادث / مرجان همایونی: زن سراپداز که در اقدامی کینه‌جویانه شوهرش را به قتل رسانده اما مرد دیگری را به عنوان قاتل معرفی کرده بود، سرانجام پس از ۸ ماه به خاطر عذاب وجدان لب به اعتراف گشود.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر مرداد سال گذشته، مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های پایتخت به بازپرس محمد وهایی اعلام شد. به‌دنبال گزارش مرگ مشکوک شاهین؛ تحقیقات تیم جنایی آغاز شد. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که سه روز قبل مرد جوان که از ناحیه سر مجروح شده بود به بیمارستان منتقل شده اما با وجود تلاش کادر درمان تسلیم مرگ شده است. بررسی‌های اولیه متخصصان پزشکی قانونی حکایت از آن داشت که اصابت جسمی سنگین مانند میله آهنی به سر، مرگ او را رقم زده است.

بخش‌های جنایی

با اظهارات زن جوان، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به بازیابی دوربین‌های مدار بسته ساختمان شرکت پرداختند، اما ورود و خروج هیچ فردی به ساختمان در آن ساعت مشاهده نشد و این موضوع نشان می‌داد که اظهارات

قاتل همسر و مادر زن از چوبه دارهایی یافت

گروه حوادث / معصومه مرادپور: مرد جوان که به‌خاطر سوهنن به همسرش در اقدامی هولناک او را به همراه مادرزینش و مردی غریبه به قتل رسانده بود پس از محاکمه به ۳ بار قصاص محکوم شد اما در حالی که با تأیید حکم از سوی قضات دیوان عالی کشور در یک قدمی اجرای حکم قرار داشت صبح دیروز توانست با جلب رضایت اولیای دم از قصاص فرار یابد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از تیر سال ۹۰ و به‌دنبال گزارش سه قتل درخانه‌ای واقع در کمالشهر کرج آغاز شد. کارآگاهان جنایی در بررسی محل حادثه با جسد زنی میانسال، دخترش و پسر جوانی رو به رو شدند که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بودند. ضارب که داماد خانواده بود خیلی زود بازداشت شد. او در بازجویی‌ها مدعی شد از مدتی قبل به رفتار همسرش شک کرده بود به همین خاطر او را تحت نظر قرار داده و روز حادثه وقتی همسرش به خانه مادر خود رفته او را کتعبیب کرده بود. این مرد در بیان جزئیات حادثه گفت: وقتی همسرم وارد خانه شد قایقی بعد به آنجا رفتم و با عجله وارد خانه شدم، ناگهان همسرم را در حال صحبت با یک مرد غریبه دیدم از عصبانیت فهمیدم چه کار می‌کنم با چاقویی که از قبل در جیبم بود ضربه‌ای به مادرزینم که می‌خواست مانع

محل زندگی‌مان بودیم که صدای فریادهای شاهین را شنیدم. شاهین فریاد می‌زد: دزد، دزد، آنها را بگیرید. پریسا، همسر شاهین ادامه داد: فوراً خودم را به اتاق سراپداری رساندم و با بدن نیمه‌جان همسرم در حالی‌که از ناحیه سر مصدوم شده بود مواجه شدم. با اورژانس تماس گرفته و شاهین را به بیمارستان رساندیم اما او فوت کرد. به نظر می‌رسید همسرم متوجه ورود سارقان به ساختمان شده بود و قصد مقابله با آنها را داشت اما سارقان برای فرار با میله آهنی به سر او زده بودند.

با اظهارات زن جوان، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به بازیابی دوربین‌های مدار بسته ساختمان شرکت پرداختند، اما ورود و خروج هیچ فردی به ساختمان در آن ساعت مشاهده نشد و این موضوع نشان می‌داد که اظهارات

ماجرایی خبر بوده و قتلی مرتکب نشده است. تحقیقات در رابطه با این جنایت ادامه داشت تا اینکه با گذشت ۸ ماه از جنایت، پریسا لب به اعتراف گشود و راز قتل همسرش را برملا کرد: در تمام این مدت دروغ گفتم و بابک بی‌گناه بازداشت شده است. او هیچ نقشی در این جنایت ندارد و من طبق آموزش‌هایی که کاوه داده بود چنین سناریوهایی را مطرح کردم.

او ادامه داد: ۱۸ سال قبل با شاهین ازدواج کردم و از او صاحب دو دختر شدم، اما شاهین آدم خوش اخلاقی نبود و مدام مرا اذیت می‌کرد. یکی از بزرگترین ایرادهای شاهین این بود که برای هر کسی درددل می‌کرد و دوست و آشنا از صفر تا صد زندگی ما با خبر بودند. این خود شاهین بود که به کاوه

و بابک از زندگی خصوصی‌مان گفته بود و خودش را از چشم من و بچه‌هایم انداخته بود.

نقشه قتل

پریسا گفت: همه اطرافیان از تمام جزئیات زندگی من و شوهرم خبر داشتند و از این موضوع حس بدی داشتم به همین دلیل تصمیم به جدایی گرفتم اما شاهین بلافاصله بعد از جدایی با کاوه و من میان ارتباط با کاوه را به تازگی طلاق داده بود و من ابزار علاقه می‌کرد بعد از مدتی کاوه فکر قتل همسرم را به ذهنم انداخت.

با نقشه‌ای که کاوه طراحی کرده بود، شب حادثه شوهرم را به تنهایی با میله آهنی به قتل رساندم. سناریوی حضور سارقان در شرکت و قتل شاهین توسط آنها را هم کاوه به من یاد داده بود. حتی کاوه

به من گفته بود که با بابک رابطه نزدیک‌تری برقرار کنم و اگر پلیس اظهارات مرا بابت قتل از سوی سارقان قبول نکرد، بگویم او شوهرم را کشته و خودش هم اظهارات مرا تأیید می‌کند تا از اتهام قتل رها می‌شود. در این مدت، وقتی در بازداشتگاه بودم، عذاب وجدان لحظه‌ای رها نمی‌کرد با خودم یک بی‌گناه به جای من اعدام شود. در نهایت هم عذاب وجدان باعث شد تا راز قتل را برملا کنم.

با اعترافات زن جوان، او به اتهام مباشرت در قتل و کاوه به اتهام معاونت در قتل درحالی بازداشت شدند که پدر و مادر شاهین خواهان قصاص عروسشان شده‌اند. بدین ترتیب بابک آزاد شده و دو متهم نیز برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت منتقل شدند.

انهدام باند راهزنان مسلح در خاش

گروه حوادث: سه عضو یک باند سرقت مسلحانه که در جاده‌های فرعی شهرستان خاش راه مردم را سد کرده و خودرو و اموالشان را سرقت می‌کردند از سوی پلیس دستگیر شدند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل خبر زورگیری و سرقت مسلحانه خودرو در یکی از محورهایی فرعی شهرستان خاش به پلیس اعلام شد و شناسایی متهمان در دستور کار مأموران پلیس استان و شهرستان خاش قرار گرفت. مأموران پلیس آگاهی استان با بررسی اظهارات مالباخته و استفاده از روش‌های علمی و فنی در کشف جرم در نهایت موفق به شناسایی و دست داشتن اعضای یک باند سرقت در این سرقت‌ها شدند. سردار احمد طاهری فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان در این باره گفت: در این رابطه پس از شناسایی مخفیگاه مخوف اعضای این باند خوش‌حسابی اطراف شهرستان خاش طی یک عملیات پیچیده و هوشمندانه اعضای آن در محاصره پلیس قرار گرفته و خود را تسلیم پلیس کردند. در بازرسی از مخفیگاه این باند تعداد یک قبضه سلاح کلاشینکف به همراه دو تیغه خنجر، ۴۸ عدد فشنگ جنگی و یک دستگاه خودرو پژو سرتقی و یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ فاقد پلاک کشف و ضبط شد. تاکنون در تحقیقات انتظامی اعضای این باند به ۵ فقره زورگیری و سرقت مسلحانه خودرو در سطح شهرستان خاش اعتراف کردند که بررسی‌های تکمیلی همچنان ادامه دارد.

۲۰ رأس گاودر دامداری کباب شد

گروه حوادث: آتش‌سوزی در یک واحد دامداری سبب تلف شدن ۲۰ رأس گاو در روستای گاویلماک بخش دالخاننی رامسر شد. زمان کیوان فرد مسئول آتش‌نشانی شهرداری کتالم و سادات شهر در این باره اظهار داشت: این آتش‌سوزی ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بامداد چهارشنبه گزارش شد و چون وسعت آتش‌سوزی زیاد بود با همکاری آتش‌نشانی شهر مجاور اطفا حریق تا ساعت ۷ صبح ادامه داشت که علت آتش‌سوزی در دست بررسی است. به گزارش مهر طبق اعلام جهاد کشاورزی شهرستان رامسر در این حادثه بیش از ۲۰ رأس گاو اصیل، انبار علوفه، ساختمان و تأسیسات دامداری به‌صورت کامل طعمه حریق شد و از بین رفت.

داماد عصبانی

خانواده همسرش را قتل عام کرد

گروه حوادث: مرد جنایتکار که در اقدامی هولناک همسرش و پدر و مادر او را در ضیاءآباد تاکستان به قتل رسانده بود در کمتر از ۶ ساعت دستگیر شد. سردار علی ابراهیمی، فرمانده انتظامی استان قزوین با اشاره به این جنایت خانوادگی اظهار کرد: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، مبنی بریک مورد درگیری مسلحانه در شهر «ضیاءآباد» شهرستان تاکستان، بلافاصله عوامل فرماندهی انتظامی به محل حادثه اعزام شدند. پس از حضور مأموران مشخص شد، ضارب با استفاده از اسلحه کلت کمربند اقدام به تیراندازی به یکی از شهروندان کرده و پس از مجروح کردن او از محل متواری شده که بلافاصله فرد مجروح به مراکز درمانی منتقل شده و تحقیقات برای دستگیری عامل تیراندازی در دستور کار مأموران قرار گرفت. همچنین ضارب پس از این اقدام به خانه پدری همسرش رفته و همسر خود را به همراه پدر و مادرش با شلیک گلوله به قتل رسانده و از محل متواری شده بود که با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی استان به همراه عوامل انتظامی شهرستان تاکستان به محل وقوع قتل اعزام شده و تحقیقات خود را برای دستگیری قاتل آغاز کردند. سردار ابراهیمی ادامه داد: مأموران با بررسی‌های میدانی از آثار باقیمانده در صحنه جرم و استفاده از شگردهای پلیسی در کمتر از ۶ ساعت مخفیگاه قاتل را در یکی از باغ‌های شهر ضیاءآباد شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه و ضربتی وی را دستگیر کردند.

این مقام انتظامی با اشاره به اینکه اجساد تحویل عوامل بهشت فاطمه شده و فرد ضارب به پلیس آگاهی شهرستان تاکستان منتقل شد، بیان داشت: تحقیقات پلیسی در خصوص انگیزه متهم برای ارتکاب به قتل در دست بررسی است.

یک کشته و ۵ مصدوم در تندباد تبریز



گروه حوادث: تندباد شدید و سقوط درخت در حیاط بازار تاریخی تبریز، جان یک مرد را گرفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه روز سه‌شنبه در حیاط سراسی حاج حسین بازار تاریخی تبریز رخ داد و سقوط یک اصله درخت تنومند بر سر شهروند تبریزی موجب مصدوم شدن وی شد، اما وقتی توسط اورژانس به بیمارستان انتقال یافت بر اثر شدت جراحات جان باخت.

وحید شادی‌نیا، سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی نیز از مصدوم شدن ۶ نفر در اثر طوفان گردوخاک روز سه‌شنبه در استان خبر داد و گفت: ریزش آوار در نتیجه وزش باد شدید، ۲ نفر را در جلفا، یک نفر را در ایلیچی و یک نفر را در مابین مصدوم کرد. وی اضافه کرد: مصدومان این حوادث تحت اقدامات اولیه درمانی توسط عوامل اورژانس به بیمارستان منتقل شده و باقی مصدومان نیز به‌صورت سریایی در محل حادثه تحت درمان قرار گرفتند. دو نفر نیز در تبریز به دنبال افتادن درخت آسیب دیده‌اند که این مصدومان نیز توسط عوامل اورژانس به بیمارستان اعزام شدند.

بلاذشت مرد سنگ‌پران در خرم‌آباد



گروه حوادث: مرد خشمگین که پس از تصادف خودروی سواری با اتوبوس اقدام به پرت کردن سنگ و شکستن شیشه اتوبوس کرده بود از سوی پلیس دستگیر شد. سرهنگ نبی‌الله قاسمی، فرمانده انتظامی خرم‌آباد گفت: پس از تصادف منجر به خسارت بین دو دستگاه خودروی تیبا و اتوبوس، راننده اتوبوس اقدام به ترک صحنه تصادف کرده که یکی از بستگان راننده تیبا با مشاهده این صحنه اقدام به سنگ‌پرانی و شکستن شیشه اتوبوس حامل دانشجویان کرد. وی ادامه داد: در پی این اقدام شیشه اتوبوس شکسته و چند دانشجو به صورت سطحی مجروح شدند. قاسمی گفت: بلافاصله توسط مأموران انتظامی شهرستان عامل اصلی سنگ پرنانی و یکی دیگر از مقصران حادثه شناسایی، دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شدند.